

چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا: راهکاری انعطاف‌پذیر برای چالش‌های منطقه‌ای

جلیل بیات

چکیده

در سال‌های اخیر، ناکارآمدی و کُندی نهادهای چندجانبه سنتی در اوراسیا موجب شده است دولت‌ها به دنبال ترتیبات جایگزین و انعطاف‌پذیرتر باشند. این پژوهش به تحلیل پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا می‌پردازد و بر این موضوع تمرکز دارد که چرا دولت‌ها در کنار نهادهای چندجانبه مانند سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به پیمان‌های کوچک‌تر و انعطاف‌پذیرتر روی می‌آورند. سؤال اصلی پژوهش این است که این پیمان‌ها چرا شکل می‌گیرند و فرضیه آن بیان می‌کند که این پیمان‌ها عمدتاً به عنوان راهکاری مکمل برای نهادهای چندجانبه و در پاسخ به محدودیت‌ها و کُندی‌های آن‌ها شکل می‌گیرند؛ زیرا دولت‌ها به دنبال سازوکاری سریع‌تر، هدفمندتر و کم‌هزینه‌تر برای پاسخ به تهدیدها و فرصت‌های منطقه‌ای هستند. پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و از طریق مرور اسناد و مطالعات موردی، عوامل ساختاری، امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی شکل‌دهنده این پیمان‌ها و تفاوت آن‌ها با نهادهای چندجانبه سنتی را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این پیمان‌ها بیشتر در نقش سازوکارهایی مکمل در کنار نهادهای چندجانبه سنتی و در شرایط انسداد نهادی، ظرفیت‌هایی برای هماهنگی مؤثرتر و انعطاف‌پذیرتر میان دولت‌های عضو فراهم می‌سازند. در نهایت، مقاله اهمیت این ترتیبات را در بازتعریف الگوهای همکاری منطقه‌ای و درک روندهای آتی قدرت در اوراسیا برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: چندجانبه‌گرایی، چندجانبه‌گرایی محدود، اوراسیا، پیمان‌های منطقه‌ای، همکاری منطقه‌ای

با افزایش فلج‌شدگی و ناکارآمدی نهادهای کلاسیک چندجانبه، از سازمان ملل متحد گرفته تا سازمان تجارت جهانی، سازمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود^۱ به‌عنوان قالبی جایگزین برای پیشبرد امور ظاهر شده‌اند. (Mohan, September 11, 2023) در واقع یکی از واکنش‌ها به شکست‌های چندجانبه‌گرایی^۲ در سال‌های اخیر این بوده است که دولت‌ها چارچوب‌های محدودتر و انعطاف‌پذیرتری تشکیل دهند. (Panda & Park, 2024: 930) گفت‌وگوی امنیتی چهارجانبه^۳ و پیمان استرالیا-بریتانیا-ایالات متحده^۴ از برجسته‌ترین نمونه‌های چندجانبه‌گرایی محدود هستند. (Cannon, 2025: 514) در اروپا نیز پیمان‌های کوچکی چون مثلث لوبلین^۵ و همکاری دفاعی نوردیک^۶ شکل گرفته‌اند. (Kurnyshova & Makarychev, 2025)

ظهور اینگونه قالب‌های همکاری در منطقه اوراسیا قابل توجه است. برخی پژوهشگران ناکامی چندجانبه‌گرایی سنتی را به‌عنوان یک واقعیت توضیح داده و نشان داده‌اند که گذار اوراسیا به سازوکارهای محدودتر، پاسخی کارکردی به همین ناکارآمدی بوده است. (Vinokurov and Libman, 2022: 248–259) با وجود اهمیت فزاینده‌ی این پیمان‌ها، پژوهش‌های موجود عمدتاً به تحلیل نهادهای چندجانبه سنتی یا روابط دوجانبه محدود شده‌اند و خلأ علمی قابل توجهی در خصوص چرایی و چگونگی شکل‌گیری پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا وجود دارد. پر کردن این خلأ، به درک بهتر تغییرات در الگوهای همکاری منطقه‌ای و توازن قدرت در اوراسیا کمک می‌کند.

بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است: پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا چرا شکل می‌گیرند؟ فرضیه اصلی این است که این پیمان‌ها عمدتاً به‌عنوان راهکاری مکمل برای نهادهای چندجانبه و در پاسخ به محدودیت‌ها و کُندی‌های آن‌ها شکل می‌گیرند؛ زیرا دولت‌ها به دنبال سازوکاری سریع‌تر، هدفمندتر و کم‌هزینه‌تر برای پاسخ به تهدیدها و فرصت‌های منطقه‌ای هستند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود می‌کوشد نشان دهد چرا بازیگران اوراسیا به جای اتکاء صرف بر سازمان‌های چندجانبه سنتی، به دنبال راهکارهای کوچک‌تر و هدفمندتر هستند. این بررسی، درک بهتر تغییرات توازن قدرت در اوراسیا و پیش‌بینی پیامدهای سیاسی و امنیتی آن را ممکن می‌سازد و به پژوهشگران و سیاست‌گذاران در طراحی راهبردهای متناسب با شرایط نوین ژئوپلیتیکی کمک می‌کند. این پژوهش از نوع توصیفی-سیاست‌گذارانه است.

¹ Minilateralism

² Multilateralism

³ The Quadrilateral Security Dialogue (Quad)

⁴ AUKUS

⁵ Lublin Triangle

⁶ The Nordic Defence Cooperation (NORDEFCO)

تحلیلی است و داده‌ها از طریق مرور اسناد و منابع کتابخانه‌ای شامل مقالات علمی و گزارش‌های پژوهشی مرتبط گردآوری شده است.

سازماندهی پژوهش به این صورت است که ابتدا پیشینه پژوهش بررسی می‌شود. سپس چارچوب مفهومی توضیح داده خواهد شد. آنگاه به ترتیب عوامل ساختاری و نهادی، ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی، عوامل اقتصادی و کارکردی شکل دهنده به پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا و مقایسه با نهادهای سنتی بررسی می‌شوند و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

1- پیشینه پژوهش

یکی از معدود پژوهش‌های صورت گرفته درباره چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا مطالعه کوچاک (Koçak, 2026) با عنوان «ایجاد محور ترکی در آسیای مرکزی: همکاری امنیتی چندجانبه محدود و ژئوپلیتیک در نظم متغیر» است که به تحلیل همکاری‌های امنیتی میان شش کشور ترک‌زبان (ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان) در چارچوب سازمان دولت‌های ترک می‌پردازد و آن را نمونه‌ای از چندجانبه‌گرایی محدود معرفی می‌کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که همکاری میان این کشورها علی‌رغم ایجاد مزایایی مانند تسهیل جریان اطلاعات و افزایش رزمایش‌های منظم، با آسیب‌پذیری‌هایی از جمله غلبه کانال‌های دوجانبه بر چندجانبه، نابرابری در قابلیت‌های عملیاتی و تجهیزاتی میان اعضا و نبود تضمین‌های الزام‌آور مواجه است. در نهایت، مقاله سه سناریوی راهبردی را تا سال ۲۰۴۰ ترسیم می‌کند. مقاله حاضر از سه جهت بر پژوهش کوچاک برتری دارد: اول، به جای تمرکز صرف بر کشورهای ترک‌زبان، کل منطقه اوراسیا را پوشش می‌دهد. دوم، به جای توصیف همکاری‌ها، علل ساختاری، امنیتی و اقتصادی شکل‌گیری پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود را تبیین می‌کند. سوم، این پیمان‌ها را با نهادهای چندجانبه سنتی مقایسه می‌نماید.

پژوهش‌های دیگر عمدتاً به ناکارآمدی نهادهای چندجانبه سنتی پرداخته‌اند. به طور مثال اوتکلبای، زوتوف، چردنیچنکو و ایگروف (Utkelbay, Zotov, Cherednichenko, & Egorov) در مقاله «پیش‌شرط‌ها، نیروهای محرک و تضادهای ادغام دولت‌های پساشوروی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا» توضیح می‌دهند که درگیری روسیه و اوکراین و تحریم‌های غرب علیه روسیه که در نتیجه آن ایجاد شد، سازوکارهای مالی درون اتحادیه اقتصادی اوراسیا را مختل کرد و باعث تشدید واگرایی پس از سال ۲۰۲۲ و بازتعریف پارامترهای ساختاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این درگیری به واگرایی‌های سیاسی کمک کرده است، که گواه آن تشدید تنوع استراتژیک قزاقستان با امضای ۲۰ توافقنامه تجاری جدید با شرکای غیر عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۲۲ است.

همچنین قافله‌باشی (قافله‌باشی، 1398) در مقاله «رقابت و واگرایی در سازمان همکاری شانگهای؛ با تأکید بر اختلافات چین-روسیه و هند-پاکستان» ناکامی این سازمان در دستیابی به همگرایی پایدار را ناشی از دو رقابت درونی می‌داند: نخست، رقابت چین و روسیه بر سر تعیین دستور کار که چین کارکرد اقتصادی و روسیه ماهیت امنیتی-ضدغربی را دنبال

می‌کند و این تضاد، مانع پیشرفت کیفی سازمان شده است. دوم، عضویت همزمان هند و پاکستان با وجود منازعه تاریخی بر سر کشمیر که انسجام درونی را تضعیف، تعریف تروریسم را پیچیده و همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی را کاهش داده است. به باور نویسنده، گسترش جغرافیایی سازمان به جنوب آسیا نه تنها همگرایی را افزایش نداده، بلکه واگرایی و پیچیدگی‌های آن را بیشتر کرده است. قافله‌باشی همچنین با استناد به شواهد عینی نظیر سکوت سازمان در قبال بحران اوکراین (۲۰۱۴) و گرجستان (۲۰۰۸) و نیز عدم میانجیگری در مناقشه کشمیر (۲۰۱۹)، ناکامی سازمان همکاری‌های شانگهای در تحقق اهداف اولیه خود را مستند ساخته است.

2- چارچوب مفهومی: از «چندجانبه گرایی» به «چندجانبه گرایی محدود»

نهادهای چندجانبه از زمان جنگ جهانی دوم برای رسمیت‌بخشی به هنجارهای جهانی و حفظ نوعی پیش‌بینی‌پذیری در نظام بین‌الملل تأسیس شده‌اند. در حوزه کیفی، چندجانبه‌گرایی سه ویژگی اصلی دارد: اصول سازمان‌دهنده عام^۱، (الگوهای رفتاری فراتر از منافع خاص هر کشور)، غیرقابل تفکیک بودن^۲ (پذیرش کالاهای عمومی اجتماعی) و عمل متقابل پراکنده^۳ (برابری تقریبی منافع در گذر زمان). (Fathah, 2022: 106)

با این حال رئالیست‌ها معتقدند این ویژگی‌ها با ساختار سلسله‌مراتبی قدرت در نظام بین‌الملل سازگار نیست؛ جایی که قدرت‌های بزرگ تمایل ندارند تحت نظارت یا قضاوت قدرت‌های کوچک‌تر قرار گیرند. نئولیبرالیست‌ها هم ناکارآمدی گروه‌های بزرگ با اعضای متنوع را مسئله‌ساز می‌دانند. این انتقادات باعث شده در سال‌های اخیر دولت‌ها به اشکال بداهه‌تری از همکاری در قالب چندجانبه‌گرایی محدود روی آورند.

چندجانبه‌گرایی محدود در نتیجه دشواری حفظ چندجانبه‌گرایی سنتی پدید آمده است. این چارچوب‌ها بر حوزه‌های خاص تمرکز دارند و از تعاملات میان نهادهای دولتی و غیردولتی در سطوح منطقه‌ای اداره می‌شوند. (Patrick, 2016: 23) این نوع همکاری بر پنج ویژگی استوار است: روابط همکاری‌محور؛ ماهیت کارکردی و نتیجه‌محور؛ عضویت کوچک و انحصاری؛ غیررسمی بودن و ترجیح تعهدات داوطلبانه؛ و انعطاف‌پذیری بالا در عضویت و تداوم. (Wilkins, 2025: 73-78)

بر خلاف رویکرد شمول‌گرایانه‌ی چندجانبه‌گرایی، مجامع چندجانبه‌گرایی محدود از رویکرد «توده‌ی بحرانی»^۴ پیروی می‌کنند؛ بدین معنا که تنها کشورهایی در این سازوکارها حضور می‌یابند که ارتباط مستقیم با موضوع موردنظر دارند و بیشترین تأثیر را بر آن می‌گذارند. تعداد کمتر بازیگران همچنین بدین معناست که این مجامع از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند و تضاد منافع در آن‌ها به حداقل می‌رسد. (Fathah, 2022: 107-108) این ترتیبات معمولاً غیررسمی و

¹ generalized organizing principles

² indivisibility

³ diffuse reciprocity

⁴ critical mass approach

کارکردی هستند و از فرآیندهای پیچیده مبتنی بر قواعد الزام‌آور پرهیز می‌کنند. در این چارچوب، ابهام عمدی در زبان می‌تواند مزیتی مهم تلقی شود، زیرا «اهداف کلی و زبان مبهم، فضایی برای مانور میان اعضای فراهم می‌آورد که نمی‌توانند بر سر اقدامات مناسب به توافق برسند.» (Anuar & Hussain, 2021: 4) ضمن آنکه بخش عمده‌ای از ادبیات موضوع نشان می‌دهد که چندجانبه‌گرایی محدود، معمولاً با تمرکز محدود و دامنه کارکردی نسبتاً مشخص شکل می‌گیرد. (Bisley, 2023: 15–30)

با این حال، پایین بودن سطح نهادی‌سازی مشکلاتی نیز به همراه دارد، از جمله کاهش تمرکز، طول عمر کوتاه‌تر و فقدان چارچوب‌های سازمان‌دهی برای هماهنگی پیشرفت‌های ناهماهنگ و ساختارنیافته‌ی هر عضو. علاوه بر این، اتکا به پیوندهای غیررسمی و روابط میان‌فردی، پیمان‌های چندجانبه محدود را در برابر تغییرات سیاست داخلی، محیط منطقه‌ای و در نهایت تصمیمات دولت وقت آسیب‌پذیر می‌سازد.

اگرچه پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود به‌طور کامل هدف همکاری بین‌المللی و حکمرانی جهانی را دنبال نمی‌کنند، پژوهشگران بر این باورند که آن‌ها باید به‌عنوان بخشی از فرآیند ایجاد پل میان نظم جهانی چندجانبه گسترده‌تر در نظر گرفته شوند. با توجه به کمبودها در هر دو ساختار چندجانبه‌گرایی محدود و چندجانبه‌گرایی، برخی پژوهشگران تاکید کرده‌اند که نباید چندجانبه‌گرایی محدود را «به‌طور کامل جایگزین اتحادها و نهادهای موجود دانست، بلکه باید مکمل آنها تلقی کرد.» (Tow, 2018: 241)

3- عوامل ساختاری و نهادی

در ادبیات جدید درباره تحول الگوهای همکاری بین‌المللی، «چندجانبه‌گرایی محدود» به‌عنوان پاسخی عملی به محدودیت‌های نهادهای چندجانبه مطرح شده است. هزینه‌ها و زمان طولانی اجرای سیاست‌ها در ساختارهای سنتی، دولت‌ها را به گروه‌های کوچک‌تر و هدفمند سوق می‌دهد.

یکی از سازوکارهای نهادی که به‌طور مکرر در نقد کارآمدی نهادهای اوراسیایی مطرح می‌شود، فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع است. نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان پیمان امنیت جمعی یا اتحادیه کشورهای مستقل همسود غالباً رویه‌هایی مبتنی بر توافق همگانی دارند که از یک‌سو حفظ وحدت را تسهیل می‌کند، اما از سوی دیگر می‌تواند سرعت عمل را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهد و مانع شکل‌گیری نهادهای اجرایی قوی شود؛ چنان‌که برخی کارشناسان از الگوی تصمیم‌گیری سازمان همکاری شانگهای بر مبنای اجماع انتقاد کرده و آن را کند و ناکارآمد می‌دانند. (Alimov, 2018: 115)

در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز در عمل، اقدام هماهنگ جای خود را به یک‌جانبه‌گرایی نامحدود و قوانین مشترک ضعیف و توسعه‌نیافته داده است؛ قوانینی که ترجیحاً در پی معاملات سیاسی نامشخص در راستای اهداف غیرلیبرالی، چه در بعد

اقتصادی و چه سیاسی، هستند. به همین دلیل، اتحادیه اقتصادی اوراسیا نه توانسته امکان ایجاد یک «مدل اوراسیایی» از توسعه را فراهم کند و نه الگوی جدیدی از همکاری میان کشورهای عضو ارائه دهد و به شدت ضعیف و ناکارآمد بوده و از اختیار و استقلال اندکی برخوردار است. (Dragneva & Hartwell, 2022: 96–98)

برخی پژوهشگران مهم‌ترین چالش‌های سازمان همکاری شانگهای در کارآمدی، انسجام و سرعت همکاری را رقابت‌های داخلی میان اعضا (به‌ویژه حضور رقبای راهبردی در سازمان)، تضاد منافع ملی و دستورکارهای سیاسی متفاوت می‌دانند. از نظر آن‌ها، فقدان قدرت نهادی و عدم تقارن قدرت میان اعضا، از موانع ساختاری جدی است که هرگونه همکاری جمعی را با اختلال مواجه می‌سازد. (Mumtaz, Cheema & Khalid, 2025) در همین راستا، گفته می‌شود که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از نظر نظام‌های سیاسی و اقتصادی، باورها و رویکردهای تمدنی تفاوت‌های چشمگیری دارند و این امر گفت‌وگو و دستیابی به راه‌حل‌های مبتنی بر منافع مشترک را دشوار می‌سازد؛ در نتیجه، سطح اختلافات درونی افزایش یافته و به انباشت مسائل حل‌نشده می‌انجامد. (Alimov, 2018: 115)

نحوه عملکرد سازمان همکاری شانگهای در موضوع بحران اوکراین به خوبی این ناتوانی را عیان ساخت؛ چراکه نتوانست موضعی واحد اتخاذ کند و در عمل منفعل ماند. وجود منافع متضاد میان اعضا و ساختار تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع، باعث شد که حتی کشورهای عضو با نظام‌های سیاسی مشابه نیز نتوانند بر سر حمایت از روسیه به توافق برسند. اعضای آسیای مرکزی مانند قزاقستان و ازبکستان تلاش کردند فاصله خود را با روسیه حفظ کنند و این شکاف داخلی، توانایی سازمان برای ایفای نقش مؤثر در این بحران را به شدت کاهش داد. لذا بحران اوکراین محدودیت‌های ساختاری و ناتوانی سازمان همکاری شانگهای در مقابله با تهدیدات امنیتی واقعی را آشکار ساخته و این سازمان را مجبور به بازتعریف کارکردها و هویت خود، با تأکید بیشتر بر همکاری‌های اقتصادی و کاهش نقش امنیتی، کرده است. (Li, 2025; Lukin, Novikov,) (Puzanova, & Yeniekeyeff, 2025)

مطالعات مربوط به اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان می‌دهد تفاوت در انگیزه‌ها و ترجیحات کشورهای عضو، همراه با ضعف نهادهای مشترک، این نهاد را در تحقق انتظارات اولیه با شکست مواجه کرده است. (Wolczuk & Dragneva, 2017) پس از بحران اوکراین در ۲۰۱۴ و در غیاب مجوز اتحادیه برای اعمال ممنوعیت‌های تجاری علیه اتحادیه اروپا و اوکراین، روسیه یک‌جانبه این محدودیت‌ها را اجرا کرد که به چندپارگی اتحادیه گمرکی، از جمله بازگرداندن گمرکات مرزی و اعمال کنترل‌های بهداشتی، انجامید. این رخداد آشکار ساخت که روسیه اهداف اقتصادی اتحادیه را فدای اهداف ژئوپلیتیکی خود می‌کند و این اتحادیه توانایی محدود کردن چنین اقداماتی را حتی در حوزه‌های اصلی ادغام ندارد. (Dragneva & Hartwell, 2022: 98–99) تشدید بحران اوکراین در ۲۰۲۳ نیز باعث شد کشورهای کوچک‌تر عضو، فاصله‌گیری محتاطانه‌ای از سیاست‌های کرملین در پیش گیرند و نگرانی اعضای مانند قزاقستان و روسیه سفید درباره تضعیف حاکمیت ملی افزایش یابد. (رحمتی و امام‌وردی، 1404: 78) در مقابل، چندجانبه‌گرایی محدود با کاهش تعداد کنشگران و همگرایی محدودتر منافع، می‌تواند موانع کنش جمعی را برطرف سازد. (Lee-Brown, 2018: 168)

نقد دیگر، کمبود ابزارهای اجرایی و سازوکارهای الزام آور در نهادهای چندجانبه منطقه‌ای است. جامعه کارشناسی، سازمان همکاری شانگهای را فراتر از یک باشگاه سران برای نشست‌های سالانه نمی‌داند که هدف مشخص و الزام‌آوری ندارد. (Alimov, 2018: 115) اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز با وجود اهداف بلندپروازانه، در تحقق حتی اهداف اولیه خود در زمینه توسعه اقتصادی با مشکلات جدی مواجه است. (Dragneva & Hartwell, 2022: 96) بررسی‌ها نشان می‌دهد این اتحادیه ممکن است به دلیل وخامت شرایط اقتصادی روسیه، بحران روبل، تداوم جنگ اوکراین و بی‌اعتمادی میان اعضا با شکست مواجه شود. (Mostafa & Mahmood, 2018: 163) با توجه به رژیم مشترک ضعیف و چندپاره اتحادیه، تمایل کشورهای عضو به واگرایی و انحراف از تعهدات چندان دور از انتظار نیست و این احتمال وجود دارد که در شرایط بحرانی تشدید نیز شود. کمیسیون اتحادیه نیز در موارد نقض تعهدات، جز صدور اطلاعیه، ابزار مؤثری در اختیار ندارد. (Dragneva & Hartwell, 2022: 98) در مقابل، کشورها می‌توانند با ایجاد چارچوب‌های جدید و متناسب با اهداف مشخص، خود را به صورت چابک‌تری با شرایط متغیر تطبیق دهند. (Patrick, 2015: 116)

بنابراین، در مجموع می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل نهادی، از جمله فرایندهای تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع، تضاد منافع میان اعضا و ضعف در سازوکارهای اجرایی، به عنوان عوامل ساختاری مهم در توضیح گرایش دولت‌های اوراسیا به نهادهای چندجانبه‌ی محدود مطرح هستند. این عوامل نه به صورت قاطع و منفرد، بلکه غالباً در ترکیب با ملاحظات امنیتی و اقتصادی، انگیزه شکل‌گیری ترتیبات کوچک‌تر و هدفمندتر را فراهم می‌آورند؛ از این‌رو، بررسی دقیق شواهد اسنادی و تطبیقی برای آزمون این فرضیه‌ها ضروری است. مطالعات و گزارش‌های تحلیلی موجود نیز بر همین «ترکیبی بودن» علل تأکید دارند.

4- ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی

روش چندجانبه‌گرایی محدود و همکاری مبتنی بر مسائل مشخص، امکان همسویی منعطف در زمینه نگرانی‌های امنیتی مشترک را فراهم می‌کند. (Cannon, 2025: 515) ظهور پیمان‌های چندجانبه محدود در اوراسیا را نمی‌توان جدا از بستر امنیتی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای فهمید. در واقع، کشورهای اوراسیا برای پاسخ به نیازهای خود در دو حوزه‌ی مبارزه با تهدیدات تروریستی و امنیتی و تعدیل نفوذ قدرت‌های بزرگ به سمت پیمان‌های چندجانبه محدود حرکت کرده‌اند. مطالعات موردی درباره «چندجانبه‌گرایی محدود» نیز نقش امنیتی - ژئوپلیتیکی را به عنوان یکی از محرک‌های اساسی شکل‌گیری این نوع پیمان‌ها برجسته کرده‌اند. (Heiduk & Wilkins, 2024)

استدلال اصلی این بخش آن است که نهادهای چندجانبه سنتی در اوراسیا - به‌ویژه سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان همکاری شانگهای - به دلیل فرایندهای تصمیم‌گیری کند، الزامات اجماع‌محور و فقدان سازوکارهای اجرایی سریع، قادر به پاسخگویی به تهدیدات فوری امنیتی نبوده‌اند. در مقابل، پیمان‌های محدود با عضویت اندک و ساختار غیررسمی، امکان هماهنگی سریع‌تر و هدفمندتر را فراهم می‌کنند.

4-1 مبارزه با تهدیدات تروریستی و امنیتی

آمارها نشان می‌دهد فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه قفقاز در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال قبل رشد قابل توجهی داشته است. (Bifolchi, 2025) از سوی دیگر، حمله به یک سالن کنسرت در سال ۲۰۲۴ در مسکو که ۱۴۹ کشته و بیش از ۶۰۰ مجروح بر جای گذاشت، یکی از مرگبارترین حوادث تروریستی اوراسیا در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. (Roth & Sauer, 2024) سایر حملات انتحاری و تروریستی در مسکو (France24, 2010)، سن پترزبورگ (Pinchuk, 2017)، کاباردینو-بالکاریا (Odynova, 2010) تفلیس (Gusev, 2020) و مناطقی از قرقیزستان و تاجیکستان نیز حاکی از تداوم تهدیدهای تروریستی در اوراسیا است.

اگرچه مقابله با تروریسم در اسناد بلادستی سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان همکاری شانگهای به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی ذکر شده است، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این نهادها در عمل توانایی چندانی در هماهنگی ضدتروریستی ندارند. آلیسون (Allison, 2018) استدلال می‌کند که این سازمان‌ها اساساً برای تقویت حاکمیت و ثبات رژیم‌های عضو طراحی شده‌اند، نه برای حل مسائل کنش جمعی. از نظر وی، اصل عدم مداخله در امور داخلی و اولویت حاکمیت ملی بر اقدام جمعی، هرگونه همکاری عملی را فلج می‌کند. مهم‌ترین مصداق این ناکارآمدی، بحران قرقیزستان در سال ۲۰۱۰ است. در جریان درگیری‌های قومی در جنوب قرقیزستان که به کشته شدن صدها نفر و آوارگی ده‌ها هزار نفر انجامید، سازمان پیمان امنیت جمعی علی‌رغم درخواست دولت موقت قرقیزستان، از مداخله و اعزام نیروهای حافظ صلح خودداری کرد و عملاً ناتوانی خود را در مدیریت بحران‌های امنیتی منطقه به نمایش گذاشت. (Saradzhyan, 2010) همچنین عدم تمایل کشورها به اشتراک‌گذاری اطلاعات حساس و نداشتن سازوکارهای اجرایی الزام‌آور، از موانع اصلی همکاری مؤثر در این نهادهاست. در این باره کولوسوفسکی (Kolosovskiy, 2025) اشاره می‌کند که سازمان پیمان امنیت جمعی علی‌رغم داشتن ساختار امنیتی، در مبارزه با تروریسم با کاستی‌های جدی مواجه است: هماهنگی اطلاعاتی میان اعضا ناهماهنگ است، اقدامات سایبری ضدتروریستی ضعیف است، و راهبردهای مقابله با رادیکالیسم زدایی کارآمدی ندارد.

پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که سازمان همکاری شانگهای نیز در دستیابی به اجماع برای تدوین یک استراتژی مؤثر ضدتروریستی با شکست جدی مواجه شده است. (Panke & Friedrichs, 2024, Wallace, 2014) رقابت‌های میان‌دولتی و رویکردهای تنگ‌نظرانه ملی، عملاً مکانیسم امنیت جمعی این سازمان را تحت الشعاع قرار داده و از کار انداخته است. به عنوان نمونه، در پی خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و متعاقب آن موج فزاینده تروریسم در منطقه، انتظار می‌رفت که این سازمان واکنشی هماهنگ و جمعی نشان دهد. اما به دلیل فقدان اجماع میان اعضا، چنین اقدام هماهنگی هرگز محقق نشد. علاوه بر این، توسعه عضویت سازمان و ورود کشورهایی مانند هند، پاکستان و ایران، اگرچه ظاهراً افق همکاری‌ها را گسترش داده، اما در عمل گسل‌های داخلی را عمیق‌تر کرده است. این امر منجر به تقویت روابط

متضاد میان‌دولتی و ظهور رویکردهای امنیتی واگرا در درون سازمان شده که خود مهمترین مانع برای هرگونه اقدام جمعی و مؤثر علیه تروریسم است. (Sardar & Shahid, 2023)

سازمان‌های چندجانبه در مقابله با تهدیدات امنیتی نیز چندان موفق نبوده‌اند. برخی پژوهش‌گران به این موضوع اشاره کرده‌اند که اگرچه سازمان پیمان امنیت جمعی روی کاغذ یک بازیگر «امنیت جمعی» است، اما در عمل اینطور نیست و اجرای دستور کار امنیتی آن به دلیل اختلافات، محدودیت منابع و دیدگاه‌های سرد در مورد هماهنگی چندجانبه، محدود شده است. (Aris, 2014) به طور مثال پس از حملات آذربایجان به ارمنستان در سپتامبر ۲۰۲۲، دولت ارمنستان رسماً از سازمان پیمان امنیت جمعی درخواست کمک نظامی کرد، اما این سازمان هیچ اقدام عملی انجام نداد و صرفاً به ابراز «نگرانی» بسنده کرد. (ARKA, 2022) نخست‌وزیر پاشینیان در نشست سازمان پیمان امنیت جمعی در نوامبر ۲۰۲۲ اظهار داشت که عضویت ارمنستان در این سازمان، آذربایجان را از اقدامات تهاجمی باز نداشته و این ناکامی به شدت به تصویر سازمان پیمان امنیت جمعی آسیب زده است. (Pashinyan, 2022) در فوریه ۲۰۲۴، ارمنستان عضویت خود را در سازمان پیمان امنیت جمعی به حالت تعلیق درآورد (Reuters, 2024) و پاشینیان این سازمان را «حباب اتحاد» خواند و تأکید کرد که پیمان امنیت جمعی عملاً برای کشورش کار نمی‌کند. (RT, 2024) اینگونه تحولات موجب شده است کشورها امنیت داخلی را به‌عنوان اولویت در دستور کار قرار دهند و به دلایلی چون سرعت، اثرگذاری و امکان اقدام فوری، از چندجانبه‌گرایی محدود حمایت کنند؛ چنانکه در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴، وزیر دفاع آذربایجان، ترکیه و گرجستان در باتومی گرجستان گرد هم آمدند و توافق‌نامه همکاری سه‌جانبه دفاعی را امضا کردند که هدف آن تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی و ارتقای ثبات در قفقاز جنوبی بود. (Türkiye Today, 2024; Bayramli, 2024)

4-2 تعدیل نفوذ قدرت‌های بزرگ

از سوی دیگر، حضور و رقابت قدرت‌های بزرگ در اوراسیا فضایی از اهرم‌ها و فشارهای متنوع ایجاد کرده است که بازیگران منطقه‌ای را بر آن داشته تا از طریق انتخاب شرکای مشخص و محدود، اهداف امنیتی و ژئوپلیتیکی خود را پیش ببرند و در عین حال منافع خود را به رابطه با یک قدرت بزرگ در قالب یک نهاد چندجانبه محدود نکنند. کشورهای کوچک‌تر نمی‌توانند به طور کامل از نهادهای تحت سلطه روسیه یا چین خارج شوند، اما با ایجاد پیمان‌های محدود موازی، فضای مانور خود را افزایش و وابستگی خود به یک قدرت خاص را کاهش می‌دهند. در نهادهای سنتی، چنین استقلال عملی ناممکن است، زیرا تصمیمات باید با منافع قدرت‌های بزرگ هماهنگ شود؛ اما چندجانبه‌گرایی محدود، این امکان را فراهم می‌کند که کشورها «همزمان در چند نهاد» حضور داشته باشند و از هر کدام به اندازه نیاز خود بهره ببرند. برای مثال، اگرچه کشورهای آسیای میانه در سازمان همکاری شانگهای حضور دارند و از این طریق با چین و روسیه همکاری می‌کنند، اما هم‌زمان ترتیبات چندجانبه محدودی میان خود ایجاد کرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به پیمان‌های همکاری سه‌جانبه میان قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان در حوزه‌های مختلف، یا توافق سه‌جانبه مرزی میان تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان در ۳۱ مارس ۲۰۲۵ اشاره کرد. همچنین در ژوئیه ۲۰۲۴ و اکتبر ۲۰۲۵ رزمایش‌های نظامی

بین‌المللی «اتحاد ۲۰۲۴» و «وحدت ۲۰۲۵»^۱ با مشارکت آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان و بدون حضور چین و روسیه برگزار شد. (Ministry of Defense of Azerbaijan, 2025; Kwan, 2024) برخی پژوهشگران معتقدند تجاوز روسیه به اوکراین، کشورهای آسیای مرکزی را به این باور رسانده که روسیه به تهدیدی برای حاکمیت آن‌ها تبدیل شده است. در واکنش، کشورهای منطقه به دنبال گزینه‌های امنیتی و اقتصادی فراتر از روسیه و چین هستند - اقدامی که بیانگر عدم اعتماد عمیق به توانایی سازمان همکاری‌های شانگهای در تأمین امنیت جمعی است. (Pop, 2025)

علاوه بر این، کشورهای آسیای میانه شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان سال‌هاست گفت‌وگوی «آسیای مرکزی + ژاپن»^۲ را راه‌اندازی کرده‌اند. هدف این سازوکار، تقویت همکاری‌های چندجانبه در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، امنیت، انرژی، محیط‌زیست و توسعه منطقه‌ای است که می‌توان آن را نوعی نهاد چندجانبه محدود دانست. به بیان دیگر، کشورهای آسیای میانه به دلیل حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه، تمایل دارند هم روابط میان خود را از طریق نهادهای چندجانبه محدود تقویت کنند و هم در سازوکارهایی مشارکت داشته باشند که امکان تعدیل نفوذ قدرت‌های بزرگ را فراهم آورد.

این منطق در مورد سازمان پیمان امنیت جمعی نیز صادق است. در حالی که بسیاری از پژوهشگران این سازمان را ابزاری برای سلطه، یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی روسیه می‌دانند. (Kropatcheva, 2016: 1527) کشورهای عضو در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با شکل‌دهی به پیمان‌های چندجانبه محدود، هم از زیر سلطه روسیه خارج شوند و هم از طریق همکاری و هم‌افزایی، به نیازهای امنیتی مشترک پاسخ دهند. افزون بر سیاست‌های روسیه، ظرفیت سازمان پیمان امنیت جمعی به دلیل منافع متضاد، برداشت‌های منفی «خود - دیگری» از سوی کشورهای کوچک‌تر عضو، سیاست‌های موازنه‌چندوجهی آن‌ها و توانایی‌شان در جلب حمایت بازیگران منطقه‌ای و جهانی، تضعیف شده است. (Kropatcheva, 2016: 1547) از این‌رو، جای شگفتی نیست که شمار پیمان‌های نظامی و امنیتی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود میان کشورهای منطقه اوراسیا و اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی رو به افزایش باشد.

بنابراین می‌توان گفت تهدیدات تروریستی و بحران‌های فوری، بازیگران منطقه‌ای را به سوی ترتیبات سریع و محدود سوق می‌دهند؛ در عین حال، تغییر موازنه‌های قدرت پس از رویدادهای بزرگی مانند جنگ اوکراین، فضای واگرایی از هژمونی‌های سنتی را تقویت کرده است. افزون بر این، رقابت قدرت‌های بزرگ و ظهور تهدیدات نوین (سایبری و امنیتی - زیرساختی) انگیزه همکاری‌های تخصصی و مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود را افزایش داده است.

5- عوامل اقتصادی و کارکردی

¹ Birlestik-2024 and Birlik-2025

² Central Asia plus Japan dialogue

اقتصاد و ملاحظات کارکردی نقشی محوری در گرایش دولت‌های اوراسیا به تشکیل پیمان‌های چندجانبه محدود ایفا می‌کند. استدلال اصلی این بخش آن است که نهادهای چندجانبه سنتی در اوراسیا – به‌ویژه اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای – به دلیل ساختار بوروکراتیک پیچیده، تفاوت سطح توسعه اعضا و نبود سازوکارهای اجرایی سریع، قادر به مدیریت پروژه‌های اقتصادی فوری و تخصصی نیستند. در مقابل، پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود با عضویت اندک و انعطاف‌پذیری بالا، امکان هماهنگی سریع‌تر و هدفمندتر را فراهم می‌کنند.

پژوهش‌های بسیاری به ناکارآمدی سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حوزه اقتصادی اشاره کرده‌اند. به طور مثال لیچ و هلمز (Lynch & Helms, 2024) نشان می‌دهند که سازمان همکاری شانگهای علیرغم ده‌ها بیانیه مشترک، نتوانسته همگرایی اقتصادی میان کشورهای آسیای مرکزی را تسهیل کند. پومرلیان و بلیتسکی نیز در مطالعه‌ای تجربی نشان می‌دهند که اتحادیه اقتصادی اوراسیا علی‌رغم هدف اعلامی خود برای ایجاد یک اتحادیه گمرکی، در عمل صرفاً به عنوان یک منطقه تجارت آزاد عمل می‌کند و تأثیر مثبتی بر اشتغال و سایر شاخص‌های عملکرد اقتصادی ندارد. (Pomerlyan & Belitski, 2024)

در مقابل، در حوزه‌های انرژی، ترانزیت و توافقات تجاری سریع، ترتیبات محدود به دلیل سرعت، امکان انتخاب شریک و کاهش هزینه‌های معاملاتی جذابیت دارند. توافق سه‌جانبه قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان برای تعیین نقاط مرزی (۳۱ مارس ۲۰۲۵) نمونه‌ای از این پیمان‌هاست که بر موضوعات اقتصادی، انرژی، آب و زیرساخت تمرکز دارد. همچنین در نوامبر ۲۰۲۵، وزرای انرژی قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان پروتکلی برای مدیریت منابع آب و انرژی امضا کردند که بر اساس آن، قزاقستان و ازبکستان برق زمستانی قرقیزستان را تأمین می‌کنند و در مقابل، آب ذخیره‌شده برای آبیاری تابستانی به آن‌ها تحویل می‌شود. (Kwan, 2025) این توافقات نشان می‌دهد که نهادهای سنتی مانند سازمان همکاری شانگهای به دلیل گستردگی اعضا و تضاد منافع قدرت‌های بزرگ، توان مدیریت مسائل فنی محلی مانند تخصیص آب را ندارند و کشورها ناگزیر به ترتیبات کوچک‌تر روی می‌آورند.

در زمینه اقتصاد انرژی و محیط زیست، در ژوئیه ۲۰۲۵، شرکت‌های برق آذربایجان، قزاقستان و ازبکستان یک شرکت مشترک به نام اتحادیه کریدور سبز^۱ را در باکو تأسیس کردند تا پروژه کریدور انرژی سبز^۲ را توسعه دهند. این ابتکار منطقه‌ای با هدف تقویت همکاری‌های انرژی تجدیدپذیر و توسعه زیرساخت‌های انتقال برق سبز به اروپا با استفاده از منابع بادی و خورشیدی طراحی شده است و قرار است از طریق این کریدور ظرفیت صادرات برق پاک تا ده‌ها میلیارد کیلووات‌ساعت در سال افزایش یابد. (Jalolova, 2025)

¹ Green Corridor Union LLC

² Green Energy Corridor

پروژه‌های بزرگ انرژی در جنوب قفقاز، مانند خطوط لوله نفت و گاز، همواره انگیزه‌ای عملی برای همکاری هدفمند میان تعداد محدودی از بازیگران فراهم آورده‌اند. نمونه‌های شناخته‌شده‌ای چون خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان و کریدور گاز جنوبی نشان می‌دهند که دولت‌ها و کنسرسیوم‌های خصوصی می‌توانند با ترتیبات چندجانبه محدود، پروژه‌هایی را عملیاتی کنند که نهادهای فراگیر قادر به مدیریت سریع آن‌ها نیستند. مطالعات مختلف این برداشت را تقویت کرده‌اند که برای تحقق پروژه‌های انرژی، سازوکارهای انعطاف‌پذیر و متمرکز ضروری‌اند. (Abbasov, 2016; Furuncu, 2025; Burcea & Pădureanu, 2025)

در حوزه تجارت نیز پژوهش‌ها نشان داده‌اند دو نهاد کلیدی سازمان همکاری شانگهای، یعنی شورای تجاری و کنسرسیوم بین‌بانکی در تحقق اهداف خود برای افزایش تجارت منطقه‌ای و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی ناکام مانده‌اند؛ چنانکه رئیس‌جمهور ازبکستان به صراحت گفته بود شانگهای نتوانسته است زمینه محکمی برای تجارت چندجانبه و مشارکت بین‌بخشی ایجاد کند. (Gafarov, 2024) همچنین پیشنهاد تأسیس بانک توسعه شانگهای و صندوق ویژه آن به دلیل اختلاف نظر میان چین و روسیه بر سر ساختار مالکیت و سهم اعضا، سال‌هاست که مسکوت مانده است و ابتکار روسیه برای ایجاد «باشگاه انرژی» در چارچوب این سازمان به دلیل چالش‌های متعدد، پیشرفتی کند داشته و کارآمدی آن را در مرحله کنونی محدود کرده است. (Lukin et al., 2025) این در حالی است که الزامات بازار و فشار برای کاهش موانع تجاری در بازه‌های زمانی کوتاه، دولت‌ها را به پذیرش توافقات محدود تشویق می‌کند.

در اوراسیا نمونه‌هایی از تفاهم‌های تجاری میان چند کشور همسایه با هدف تسریع انتقال کالا و کاهش هزینه‌های لجستیکی وجود دارد. با توجه به درجات متفاوت توسعه در کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، نگرانی از هجوم کالاهای ارزان چینی و تضعیف اقتصاد ملی، ایجاد توافق تجارت آزاد را با تردید مواجه کرده است. (Alimov, 2018: 122)

برخی پژوهشگران مشکل اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا را غلبه انگیزه‌های بازتوزیعی بر منطق تولیدمحور می‌دانند؛ به گونه‌ای که ادغام اقتصادی بیش از آنکه بر افزایش بهره‌وری استوار باشد، متکی بر انتقال منابع از سوی روسیه بوده است. (Knobel', 2019: 137) پیشرفت اندک در کاهش موانع غیرتعرفه‌ای (Vakulchuk & Knobel, 2018: 474) و عدم تقارن‌های سیستمی – از جمله سهم ۸۶ درصدی روسیه از تولید ناخالص داخلی بلوک و تسلط ۸۰ درصدی بر سرمایه‌گذاری خارجی – مانع صنعتی‌شدن متوازن در کشورهای عضو شده است. همچنین اختلاف میان سیاست‌های تجاری ملی و اتحادیه، به جای همگرایی ساختاری، زمینه را برای بهره‌برداری از اختلاف نرخ‌ها^۱ در صادرات مجدد حفظ کرده است. (Utkelbay, Zotov, Cherednichenko, & Egorov, 2025: 1)

درباره سازمان همکاری شانگهای نیز برخی منتقدان عمدتاً به کمبود همکاری اقتصادی ملموس و نتایج اقتصادی عملی در این نهاد چندجانبه سنتی اشاره کرده‌اند؛ به این معنا که چارچوب حقوقی و اسنادی وجود دارد، اما خروجی اقتصادی

¹ arbitrage

قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. (Alimov, 2018: 116) به گفته دکسیو، توسعه سریع همکاری‌های اقتصادی خارج از چارچوب سازمان، منابع کشورهای عضو را منحرف کرده و موانعی برای به حداکثر رساندن منافع درون‌سازمانی ایجاد نموده است. همچنین همپوشانی سازوکارهای اقتصادی، فرایند تصمیم‌گیری کند و ظرفیت اجرایی ضعیف، همکاری اقتصادی را با مانع مواجه ساخته است. (Dexue, 2021)

عملگرایی اقتصادی به عنوان منطق رفتاری دولت‌ها در اوراسیا قابل مشاهده است؛ در شرایطی که تحقق منافع اقتصادی ملموس و فوری اهمیت دارد، دولت‌ها ترتیباتی را انتخاب می‌کنند که تضمین‌کننده بهره‌وری پروژه، جذب سرمایه و کاهش ریسک عملیاتی باشد. ظهور تدریجی هماهنگی اقتصادی و ژئوپلیتیکی سه‌جانبه میان ترکیه، گرجستان و آذربایجان که با امضای اعلامیه ترابزون در ژوئن ۲۰۱۲ رسمیت یافت، نمونه‌ای از پیمان‌های چندجانبه محدود است که با پروژه‌هایی مانند راه‌آهن باکو-تفلیس-قارص، خطوط لوله انرژی و همکاری‌های امنیتی همراه بوده است. (Cecire, 2016: 72)

کریدور حمل و نقل اروپا-قفقاز-آسیا^۱ و پروژه‌های مرتبط با آن، مثال دیگری از ترکیب منافع اقتصادی و چندجانبه‌گرایی محدود است. هرچند این پروژه در قلمرو چندجانبه‌گرایی سنتی قرار دارد، اما عدم موفقیت کامل آن در این سطح موجب شده که پیاده‌سازی بخش‌هایی از آن (راه‌آهن‌ها، گمرکات، مراکز لجستیک) اغلب از طریق پروژه‌های مشترک میان چند کشور پیش برود. این الگو نشان می‌دهد که حتی با وجود چارچوب سنتی، فرایند اجرا به ترتیبات کوچک‌تر و تخصصی‌شده نیازمند است. (Ismayilova Fazil, 2025: 20) بنابراین عمل‌گرایی اقتصادی دولت‌های اوراسیا و ناتوانی نهادهای سنتی در تسهیل پروژه‌های فوری و تخصصی، انگیزه اصلی برای تشکیل پیمان‌های محدود اقتصادی است.

6- مقایسه با نهادهای چندجانبه سنتی

برای فهم دقیق‌تر ماهیت چندجانبه‌گرایی محدود و دلایل جذابیت آن برای برخی دولت‌های اوراسیا، مقایسه این ترتیبات با نهادهای چندجانبه سنتی منطقه‌ای، از جمله سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ضروری است. این مقایسه بر چهار محور کلیدی عضویت، انعطاف‌پذیری نهادی، سرعت تصمیم‌گیری و هدفمندی عملیاتی استوار است.

نخست، الگوی عضویت محدود یکی از تفاوت‌های بنیادین میان چندجانبه‌گرایی محدود و نهادهای چندجانبه سنتی به شمار می‌رود. در ترتیبات محدود، تعداد اندکی از بازیگران با منافع مشخص و نسبتاً همسو در یک سازوکار همکاری می‌کنند؛ امری که به کاهش اصطکاک، هزینه‌های چانه‌زنی و احتمال ظهور بازیگران اخلاف‌گر می‌انجامد. هرچه تعداد اعضا کمتر باشد، دستیابی به توافق و اجرای تصمیمات تسهیل می‌شود. (Matchett, 2021: 824) در مقابل، نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ترکیبی ناهمگون از اعضا، اولویت‌ها و سطوح توسعه متفاوت مواجه‌اند که این امر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های مشترک را پیچیده‌تر می‌سازد.

¹ Transport Corridor Europe-Caucasus-Asia (TRACECA)

دوم، انعطاف‌پذیری نهادی از ویژگی‌های برجسته چندجانبه‌گرایی محدود است. این ترتیبات معمولاً از قواعد کم‌تر رسمی، ساختارهای ساده‌تر و امکان تنظیم توافق‌ها متناسب با نیازهای خاص هر موضوع برخوردارند. چنین انعطافی اجازه می‌دهد سازوکارهای همکاری به سرعت اصلاح یا حتی منحل شوند، بی‌آنکه هزینه‌های بالای نهادی ایجاد شود. غیررسمی بودن این چارچوب‌ها همچنین امکان هماهنگی امنیتی و ارسال سیگنال‌های تعهد و بازدارندگی را فراهم می‌کند، بدون آنکه استقلال بازیگران به طور جدی محدود شود. (Cannon, 2025: 510) این در حالی است که نهادهای چندجانبه سنتی، به دلیل ساختارهای بوروکراتیک پیچیده و تشریفات رسمی، از توان سازگاری سریع با تحولات محیطی برخوردار نیستند.

سوم، سرعت تصمیم‌گیری و اجرا یکی از مزیت‌های کارکردی مهم چندجانبه‌گرایی محدود در مقایسه با نهادهای سنتی محسوب می‌شود. توافق میان تعداد محدودی از کشورها معمولاً در بازه زمانی کوتاه‌تری حاصل می‌شود و امکان واکنش سریع به بحران‌ها یا پروژه‌های دارای ضرب‌الاجل را فراهم می‌سازد. در مقابل، تصمیم‌گیری اجماعی در نهادهای گسترده مستلزم مذاکرات طولانی و مصالحه‌های پیچیده است که در بسیاری موارد مانع اقدام به موقع می‌شود.

چهارم، هدفمندی عملیاتی از دیگر تفاوت‌های اساسی میان این دو نوع ترتیبات است. پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود اغلب با اهداف مشخص و محدود شکل می‌گیرند؛ برای مثال حفاظت از یک زیرساخت حیاتی، مدیریت یک کریدور ترانزیتی یا ایجاد یک سازوکار نظارتی در شرایط بحرانی. این هدفمندی امکان طراحی نهادها و تخصیص منابع دقیقاً متناسب با نیاز را فراهم می‌آورد. در مقابل، نهادهای چندجانبه سنتی معمولاً مأموریت‌های گسترده و کلی دارند که می‌تواند به پراکندگی منابع و کاهش تمرکز عملیاتی منجر شود.

همانطور که پیشتر اشاره شد سازمان همکاری شانگهای، با وجود رشد نمادین و گسترش دامنه فعالیت‌ها، به دلیل فرایند اجماع و تضاد منافع اعضا، از کارایی اجرایی محدودی برخوردار بوده و بیشتر به عنوان عرصه‌ای برای گفت‌وگو توصیف شده است تا ابزاری اجرایی قدرتمند. به طور مشابه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا با چالش‌های حکمرانی، ضعف سازوکارهای اجرایی و عدم تطابق سطح توسعه اعضا مواجه است که اجرای مؤثر سیاست‌های اقتصادی یکپارچه را با مشکل روبه‌رو ساخته است. در مقابل، ترتیبات کوچک‌تر و پروژه‌محور در قالب چندجانبه‌گرایی محدود، نمونه‌هایی از واکنش سریع‌تر و تمرکز عملیاتی بالاتر را ارائه می‌دهند.

در مجموع، جذابیت چندجانبه‌گرایی محدود برای برخی دولت‌های اوراسیا را می‌توان در مجموعه‌ای از عوامل کارکردی خلاصه کرد: امکان انتخاب شرکای همسو و کاهش هزینه‌های معامله؛ حفظ درجه‌ای از محرمانگی و کنترل سیاسی نسبت به مذاکرات گسترده؛ دستیابی به نتایج ملموس در کوتاه‌مدت؛ و قابلیت ترکیب بازیگران دولتی و غیردولتی، از جمله شرکت‌ها و نهادهای مالی، برای تسهیل اجرا و تأمین مالی پروژه‌ها. با این حال، ادبیات موجود هم‌زمان به محدودیت‌های این رویکرد نیز اشاره دارد. خطر تضعیف انسجام منطقه‌ای، تشدید تفرقه میان بازیگران، شکل‌گیری ائتلاف‌های کوتاه‌مدت و تضعیف نهادهای فراگیر، از جمله پیامدهای بالقوه اتکای افراطی به چندجانبه‌گرایی محدود به شمار می‌روند. (Cannon,)

512: 2025) افزون بر این، برخی پژوهش‌ها هشدار می‌دهند که استفاده از این ترتیبات، در صورت عدم همسوسازی با چارچوب‌های چندجانبه گسترده‌تر، می‌تواند به راه‌حل‌های پراکنده، تشویق به انتخاب‌گزینشی و فرصت‌طلبانه‌ی مجامع بین‌المللی،¹ تضعیف سازمان‌های بین‌المللی حیاتی و کاهش پاسخگویی در نظام حکمرانی جهانی منجر شود. (Howe, 2023: 63-67; Patrick, 2015: 115)

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی چرایی شکل‌گیری پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود در اوراسیا انجام شد. بررسی‌ها نشان داد که ساختار نهادی در اوراسیا، با وجود سازمان‌های چندجانبه متعددی چون سازمان همکاری‌های شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه کشورهای مستقل همسود و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به دلیل تنوع منافع اعضا و پیچیدگی تصمیم‌گیری، در پاسخ سریع به تحولات، کارآمدی محدودی دارد. این ناکارآمدی نسبی، فضای نهادی لازم برای شکل‌گیری ترتیبات کوچک‌تر و انعطاف‌پذیرتر را فراهم کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود در چهار بُعد اصلی با نهادهای سنتی تفاوت دارند: عضویت محدود، انعطاف‌پذیری بالا، سرعت تصمیم‌گیری و هدفمندی عملیاتی. در مقابل، نهادهای چندجانبه سنتی با کُندی تصمیم‌گیری و تضاد منافع میان اعضا مواجه‌اند که کارآمدی آن‌ها را کاهش داده است. در نتیجه، پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود می‌توانند در کوتاه‌مدت و برای اهداف خاص کارکرد مؤثرتری داشته باشند. این پیمان‌ها از طرق مختلفی مانند رزمایش‌های نظامی مشترک، تشکیل شرکت‌های مشترک فراملی، امضای پروتکل‌های سه‌جانبه و بیشتر و گفت‌وگوهای غیررسمی میان بخشی شکل می‌گیرند.

پیمان‌های مبتنی بر چندجانبه‌گرایی محدود احتمالاً در آینده نقش پررنگ‌تری در مدیریت امنیت، اقتصاد و روابط سیاسی اوراسیا ایفا خواهند کرد. این پیمان‌ها نه جایگزین، بلکه مکمل نهادهای سنتی هستند و ارزش اصلی آن‌ها در انسجام هماهنگی میان اعضای محدود است، نه در جامعیت پوشش. با این حال، خطر پراکندگی نهادی و کاهش انسجام منطقه‌ای نیز وجود دارد. موفقیت یا ناکامی آن‌ها در آینده بستگی به توانایی‌شان در ایجاد توازن میان کارآمدی کوتاه‌مدت و انسجام نهادی بلندمدت خواهد داشت.

برای پژوهش‌های آتی، سه مسیر مشخص پیشنهاد می‌شود: اول، بررسی پیامدهای بلندمدت پیمان سه‌جانبه‌ی آذربایجان-ترکیه-گرجستان بر معماری امنیتی قفقاز؛ دوم، ارزیابی تأثیر کریدور انرژی سبز (آذربایجان-قزاقستان-ازبکستان) بر الگوی همکاری‌های انرژی در آسیای مرکزی؛ سوم، تحلیل تطبیقی موفقیت یا شکست پیمان‌های چندجانبه محدود در مدیریت بحران‌های مرزی (مانند توافق مرزی قرقیزستان-تاجیکستان-ازبکستان) در مقایسه با نهادهای سنتی.

¹ forum-shopping

- رحمتی، رضا و امام‌وردی، حسین. (1404). «پیامدهای بحران اوکراین بر اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و راهبردهای آن»، *مطالعات اوراسیایی مرکزی*، دوره 18، شماره 2، صص: 63-92.
- قافله‌باشی، سید مجید. (1398). «رقابت و واگرایی در سازمان همکاری شانگهای؛ با تأکید بر اختلافات چین-روسیه و هند-پاکستان»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره 105، صص 101-131.

References

- Abbasov, F. G. (2016). Europeanisation of the Southern Gas Corridor: Assessing the institutional dimension of EU energy security, *Doctoral dissertation, University of Sheffield*.
- Alimov, R. (2018). "The Shanghai Cooperation Organisation: Its role and place in the development of Eurasia". *Journal of Eurasian studies*, 9(2), 114-124.
- Allison, R. (2018). Protective integration and security policy coordination: Comparing the SCO and CSTO. *The Chinese Journal of International Politics*, 11(3), 1-42.
- Anuar, A., & Hussain, N. (2021). "Minilateralism for multilateralism in the post-COVID age". *RSIS Policy Report*. <https://dr.ntu.edu.sg/handle/10356/153194>
- Aris, S. (2014). Collective security treaty organization. In *Handbook of governance and security* (pp. 554-570). Edward Elgar Publishing.
- ARKA. (2022, September 14). "Armenia asks military assistance from CSTO to restore its territorial integrity", *ARKA News Agency*
https://arka.am/en/news/politics/armenia_asks_military_assistance_from_csto_to_restore_its_territorial_integrity/
- Bayramli, Nigar. (2024). Azerbaijan, Türkiye, Georgia Boost Military Ties and Regional Security, September 11, 2024, Caspian News, https://caspiannews.com/news-detail/azerbaijan-turkiye-georgia-boost-military-ties-and-regional-security-2024-9-11-0/?utm_source=chatgpt.com
- Bifulchi, Giuliano. (2025). "Security and terrorism in the North Caucasus: Interview with Mark Youngman", *Kavkaz Files*, Vol. 32 Issue 1, In: Special Eurasia, February 10, 2025,

https://www.specialeurasia.com/2025/02/10/mark-youngman-north-caucasus/?utm_source=chatgpt.com

Bisley, Nick. (2023). "Minilateralism and the Dynamics of Great Power Competition in Asia: AUKUS and the Quad", In *The New Normal of Great Power Competition: The U.S.-China-Russia Relationship and the Indo-Pacific Region*, Tokyo: The National Institute for Defense Studies

Burcea, I. G., & Pădureanu, B. S. (2025). "Building geoeconomic bridges: European Union-South Caucasus-Central Asia. Opportunities for Romania" (No. 55). *EIR Working Papers Series*.

Cannon, Brendon J. (2025). "The Quad as Catalyst: Informality, Minilateralism, and the Latticework of Eurasian Security Architecture", *Australian Journal of International Affairs*, 79:3, 510-519, DOI: 10.1080/10357718.2025.2495309

Cecire, Michael H. (2016). "The Bilateral Origins of South Caucasus Trilateralism", In Murad Ismayilov and Norman A. Graham (Eds.). *Turkish-Azerbaijani Relations: One Nation—Two States?*, New York: Routledge.

Dexue, Y. (2021). Economic cooperation under the Shanghai Cooperation Organization: Achievements and prospects. *China Int'l Stud.*, 88, 94.

Dragneva, R., & Hartwell, C. A. (2022). "The crisis of the multilateral order in Eurasia: authoritarian regionalism and its limits". *Politics and Governance*, 10(2), 95-105.

Fathah, M. A. (2022). "From multilateralism to minilateralism—a conceptual paradigm". *Electronic Journal of Social and Strategic Studies*, 3(1), 105-113.

France24. (2010, March 31). Emir of the Caucasus claims responsibility for Moscow bombings. France24, https://www.france24.com/en/20100331-emir-caucasus-claims-responsibility-moscow-bombings?utm_source=chatgpt.com

Furuncu, Y. (2025). "Strategic Analysis of the Southern Gas Corridor: SWOT Assessment and Future Prospects in the European Energy Market". *Ekonomi İşletme ve Maliye Araştırmaları Dergisi*, 7(1), 41–56.

Gafarov, O. (2024). Reimagining The Shanghai Cooperation Organization: A Critical Look and New Horizons. *Institute for Advanced International Studies (IAIS)*

Gusev, Leonid. (January 30, 2020). Prospects for the Fight against Extremism and Terrorism in the Central Asian Region, The Russian International Affairs Council (RIAC), https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/prospects-for-the-fight-against-extremism-and-terrorism-in-the-central-asian-region/?sphrase_id=34408306

Heiduk, F., & Wilkins, T. (2024). "Minilateralism and pathways to institutional progression: alliance formation or cooperative security governance?" *Australian Journal of International Affairs*, 78(6), 808–827. <https://doi.org/10.1080/10357718.2024.2416566>

Howe, B. (2023). "East Asian security cooperation shortcomings and opportunities for second-tier actors in the region". *Journal of East Asian Affairs*, 36(1), 39-78.

Ismayilova Fazil, Firuza. (2025). *Regionalism in the South Caucasus Historical dynamics and challenges*, Master's Thesis, Department: Political Science and Philosophy, Khazar University.

Jalolova, Sadokat. (2025). Uzbekistan, Azerbaijan, and Kazakhstan Launch Joint Venture for Green Energy Corridor, 7 July 2025, The Times of Central Asia, https://timesca.com/uzbekistan-azerbaijan-and-kazakhstan-launch-joint-venture-for-green-energy-corridor/?utm_source=chatgpt.com

Knobel', A. (2019). "The Eurasian Economic Union: Development Prospects and Possible Obstacles". *Russian Social Science Review*, 60(2), 137-161.

Koçak, M. (2026). Forging a Turkic Axis in Central Asia: Minilateral Security Cooperation and Geopolitics in a Shifting Order. In *Global Geopolitical Dynamics in Eurasia* (pp. 27-50). IGI Global Scientific Publishing. <https://doi.org/10.4018/979-8-3373-2444-9.ch002>

Kolosovskiy, Y. (2025). The Collective Security Treaty Organization and Counterterrorism in Central Asia. *BRIQ*, 6(4), 383-408.

Kropatcheva, E. (2016). "Russia and the Collective Security Treaty Organisation: Multilateral Policy or Unilateral Ambitions?" *Europe-Asia Studies*, 68(9), 1526-1552.

Kurnyshova, Y., & Makarychev, A. (2025). "Regionalism at a distance? War and minilateralism at Europe's eastern flank". *Australian Journal of International Affairs*, 1-21.

Kwan, Sergey. (2024). Central Asian Countries and Azerbaijan Begin Military Exercises in Kazakhstan, 9 July 2024, The Times of Central Asia, https://timesca.com/central-asian-countries-and-azerbaijan-begin-military-exercises-in-kazakhstan/?utm_source=chatgpt.com

Kwan, Sergey. (2025). Kazakhstan, Kyrgyzstan, and Uzbekistan Sign Trilateral Deal on Water and Energy Cooperation, 25 November 2025, The Times of Central Asia, <https://timesca.com/kazakhstan-kyrgyzstan-and-uzbekistan-sign-trilateral-deal-on-water-and-energy-cooperation/>

Lee-Brown, Troy. (2018). "Asia's Security Triangles: Maritime Minilateralism in the Indo-Pacific", *East Asia*, 35(2), 163-176.

Li, S. (2025). Expand without dispersing: institutional identity construction of the Shanghai Cooperation Organization in the context of the Russia–Ukraine conflict. *International Politics*, 1-21.

Lukin, A., Novikov, D., Puzanova, O., & Yeniekeyeff, S. (2025). The Shanghai cooperation organization amidst the rising international tensions. *Journal of Eurasian Studies*, 16(2), 173-183.

Lynch, E. A., & Helms, S. (2024). The Shanghai Cooperation Organization. *Military Review*, 1(1), 26-36.

Matchett, Leah. (2021). "Minilateralism and Backlash in the Nuclear Security Summit: The Consequences of Nuclear Governance outside the IAEA", *Security Studies*, 30(5), 823–859.

Mohan, Chilamkuri Raja. (September 11, 2023). The Nimble New Minilaterals, Foreign Policy, https://foreignpolicy.com/2023/09/11/minilateral-alliances-geopolitics-quadrilateral-coalitions-multilateralism-india-japan-us-china/?utm_source=chatgpt.com

Ministry of Defense of Azerbaijan, (2025). "Unity 2025" joint exercise is underway, 20 October 2025, <https://mod.gov.az/en/news/unity-2025-joint-exercise-is-underway-55849.html>

Mostafa, G., & Mahmood, M. (2018). "Eurasian Economic Union: Evolution, challenges and possible future directions". *Journal of Eurasian studies*, 9(2), 163-172.

Mumtaz, T., Cheema, A. T., & Khalid, J. (2025). The Emerging Role of the Shanghai Cooperation Organization and Its Impacts on Geopolitics. *Qlantic Journal of Social Sciences and Humanities*, 6(3), 160-169.

Odynova, Alexandra. (2010, July 21). Terror attack on Baksan hydropower station kills 2. The Moscow Times, <https://www.themoscowtimes.com/2010/07/21/terror-attack-on-power-station-kills-2-a26>

Panda, J., & Park, J. J. (2024). "Minilateralism and global governance: effectiveness of hybrid models". *Australian Journal of International Affairs*, 78(6), 929-943.

Panke, D., & Friedrichs, G. (2024). The Roles of the Shanghai Cooperation Organisation during Global Crises: Preferences of Illiberal Powers and Functioning of an Authoritarian International Organization. In D. Panke & G. Friedrichs (Eds.), *International Organizations Amid Global Crises: Analysing Role Selection and Impact through Role Theory* (pp. 49–67). Bristol University Press.

Pashinyan, N. (2022, November 23). "The Prime Minister of the Republic of Armenia", <https://www.primeminister.am/en/statements-and-messages/item/2022/11/23/Nikol-Pashinyan-CSTO-meeting/>

Patrick, S. (2015). "The New "New Multilateralism": Minilateral Cooperation, But at What Cost?". *Global Summitry*, 1(2), 115-134.

Patrick, S. (2016). "World Order: What, Exactly, are the Rules?" *The Washington Quarterly*, 39:1, 7-27.

Pinchuk, Denis. (April 4, 2017). Eleven killed in suspected suicide bombing on Russian metro train, Reuters, <https://www.reuters.com/article/us-russia-blast-metro-idUSKBN17519G/>

Pomerlyan, E., & Belitski, M. (2024). Regional integration and economic performance: evidence from the Eurasian Economic Union. *Eurasian Geography and Economics*, 65(5), 627-655.

Pop, I. I. (2025). Russia and China in Central Asia: Between cooperation and competition?. In *Security Challenges in an Interconnected World* (pp. 147-161). Editura Universității Vasile Goldiș.

Reuters. (2024, February 23). Armenia freezes participation in Russia-led security bloc, *Reuters*, <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/armenia-freezes-participation-russia-led-security-bloc-prime-minister-2024-02-23/>

Roth, Andrew and Sauer, Pjotr. (24 March 2024). Four suspects in Moscow concert hall terror attack appear in court, *The Guardian*, <https://www.theguardian.com/world/2024/mar/24/new-islamic-state-videos-back-claim-it-carried-out-moscow-concert-hall-attack>

RT. (2024, June 12). "Member state to leave Russia-led military alliance – PM", RT, <https://rtrunews.com/russia/599183-russia-military-bloc-member-exit/>

Saradzhyan, S. (2010, July 3). "Russian-led Alliance Risks Losing Credibility", *Belfer Center, Harvard Kennedy School*. <https://www.belfercenter.org/publication/russian-led-alliance-risks-losing-credibility>

Sardar, S. I., & Shahid, K. (2023). Challenges to the SCO's Counterterrorism Mechanism and the Way Forward. *Focus*.

Tow, W. T. (2018). "Minilateral security's relevance to US strategy in the Indo-Pacific: challenges and prospects". *The Pacific Review*, 32(2), 232–244. <https://doi.org/10.1080/09512748.2018.1465457>

Türkiye Today, (2024). Türkiye, Georgia and Azerbaijan sign tripartite agreement, September 11, 2024, https://www.turkiyetoday.com/region/turkiye-georgia-and-azerbaijan-sign-tripartite-agreement-51406?utm_source=chatgpt.com&s=1

Utkelbay, R., Zotov, V., Cherednichenko, O., & Egorov, I. (2025). "Preconditions, driving forces, and contradictions of integration of post-Soviet states in the Eurasian Economic Union". *Asian Journal of Political Science*, 1-22.

Vakulchuk, Roman, & Knobel, Alexander. (2018). "Impact of non-tariff barriers on trade within the Eurasian Economic Union". *Post-Communist Economies*, 30(4), 459-481.

Vinokurov, Evgeny and Libman, Alexander. (2022). "Regionalism in Eurasia: Four Research Puzzles", In Jürgen Rüländ & Astrid Carrapatoso, *Handbook on Global Governance and Regionalism* (pp. 248-262). Edward Elgar Publishing.

Wallace, T. (2014). China and the regional counter-terrorism structure: An organizational analysis. *Asian Security*, 10(3), 199-220.

Wilkins, Thomas S. (2025). *Strategic Minilateralism and the Regional Security Architecture of the Indo-Pacific: The Quad, AUKUS, and the Trilateral Strategic Dialogue*, Palgrave Macmillan.

Wolczuk, K., & Dragneva, R. (2017). "The Eurasian Economic Union: Deals, rules and the exercise of power". Chatham House Research Paper, Royal Institute of International Affairs, London.

Minilateralism in Eurasia: A Flexible Mechanism for Regional Challenges

Abstract:

In recent years, the inefficiency and sluggishness of traditional multilateral institutions in Eurasia have prompted states to seek alternative, more flexible arrangements. This study analyzes agreements based on minilateralism in Eurasia and focuses on why states, alongside multilateral institutions such as the Shanghai Cooperation Organization and the Eurasian Economic Union, turn to smaller, more flexible pacts. The main research question asks why these agreements form, and the hypothesis states that they emerge primarily as complementary mechanisms to multilateral institutions, in response to the limitations and sluggishness of traditional institutions, as states seek a faster, more targeted, and less costly mechanism to address regional threats and opportunities. Adopting a descriptive-analytical approach through document review and case studies, the research examines the structural, security-geopolitical, and economic factors shaping these agreements and their differences from traditional multilateral institutions. The findings indicate that these agreements operate primarily as complementary mechanisms alongside traditional multilateral institutions and, under conditions of institutional gridlock, provide capacity for more effective and flexible coordination among member states. Finally, the article highlights the importance of these arrangements in redefining patterns of regional cooperation and in understanding future power dynamics in Eurasia.

Keywords: Multilateralism, Minilateralism, Eurasia, Regional Pacts, Regional Cooperation